

متن پرسش

با سلام: این متن ذهنم را درگیر کرد اگر ممکن است جواب کامل و دقیقی بدهید چون شبهه ای است که داخل کانالهای اصلاح طلب کپی می‌شود، البته نمی دانم واقعا نویسنده آقای حائری هستند یا نه. □□ شهاب الدین حائری شیرازی چند روز پیش رهبر انقلاب به مناسبت آغاز ماه مبارک رمضان با مردم سخن گفتند و از مردم خواستند در ماه مبارک به قرآن توجه ویژه نمایند. در همین ضمن برخی اوامر قرآنی را گوشزد نمودند و از آن جمله این امر را که «از غیر خدا نترسید و فقط از خدا بترسید» سپس به خاطره ای از امام راحل اشاره کردند که محل بحث در این نوشتار است ایشان گفتند: پس از تسخیر سفارت آمریکا فشار بر ما زیاد شد که آنجا تخلیه شود بنده و آقای هاشمی و یک نفر دیگر در قم خدمت امام رسیدیم و قضایا را گفتیم امام از ما پرسید آیا از آمریکا می‌ترسید بنده گفتم نه امام گفتند پس بلند شوید و بروید سفارت را لازم نیست خالی کنید.» برای نگارنده این متن سوال پیش آمد آیا اهل بیت که در برابر سلاطین جور زمان خود تقیه می‌کردند از این پادشاهان می‌ترسیدند؟ قطعاً جواب منفی است. آنچه امامان شیعه را بر آن می‌داشت که شیعیان را دعوت به تقیه و کتمان عقیده بلکه همراهی ظاهری با نظام جور نمایند تا آنجا که امام معصوم خطاب به خلیفه ای سفاک چون هارون الرشید می‌گفت: یا امیر المومنین مراعات مصلحت بود و پدید آوردن فرصت برای رشد و نمو تشیع تا خونی بی حاصل ریخته نشود. در آیات و روایات تقیه چنان جایگاهی دارد که ملازم ایمان است و فقدان تقیه به معنی بی ایمانی دانسته شده که معصوم فرمود: «لا دین لمن لا تقیه له _ دین ندارد کسی که تقیه نکند.» البته پیداست آنچه عموم مردم را به حمایت از تسخیر سفارت آمریکا فراخواند. عمری تحقیر و استعمار بود اما آیا بهتر نبود به تبعیت از سیره اهل بیت در مواجهه با فرعون زمان، مسیری مصلحت اندیشانه بکار می‌بردیم؟ آیا اظهار دشمنی آن‌هم به شیوه ای کاملاً خلاف عرف و معاهدات بین المللی یعنی بالا رفتن از دیوار سفارت و به گروگان گرفتن کارمندان، آمریکای ظالم را در چشم جهانیان، مظلوم جلوه نداد و جای طلبکار و بدهکار را عوض نکرد؟ عایدی مادی و معنوی انقلاب که هزاران خون پاک بیابش ریخته شده از این فتح سفارت و انقلاب دوم، چه بوده و هست؟ بنظر نگارنده مهمترین مانع نوسازی سازه های فرهنگی و سیاسی از پس تخریب نظام شاهنشاهی، توجه افراطی به خارج مرزها و داعیه اصلاحگری در سطح بین الملل بود که با تسخیر سفارت رخ داد و انقلاب را از ساختن خود باز داشت. چرا وضعیت فرهنگی ما روز به روز بدتر می‌شود چرا صداقت و امانت که شاخصه فرهنگی یک نظام دینی است دائماً رو به افول است؟ پاسخ را بایست در وضعیت نابسامان اقتصادی جست که پیامبر (ص) فرمود: «نزدیک است که فقر به کفر بیانجامد_ کاد الفقر ان

یکون کفرا» و از اسباب مهم کاهش رشد اقتصادی و بیکاری و فقر، تحریمهای ظالمانه آمریکاست که آن‌هم حاصل ۴۰ سال دشمنی و رو یا رویی با هارون الرشید عصر حاضر است. عزیزان اگر می‌خواهیم این انقلاب بماند بایست بی مجامله و صادقانه آن‌را به نقد بکشیم که اصلاح مایه ماندگار است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. به این جمله‌ی امام خمینی فکر کنید که در سال ۴۲ فرمودند امروز تقیه حرام و افشاء ظلم حاکمان واجب است ۲. عرایضی در رابطه با جریان اشغال سفارت آمریکا در آن تاریخ را در جزوه‌ی «ریشه‌های انقلاب» که بر روی سایت هست، شده. همین اندازه عرض کنم اگر آن روز، سفارت گرفته نمی‌شد و دولت موقت ادامه می‌یافت، امروز ما یکی از نوکران آمریکا بودیم با همان خفتی که بعضی‌ها برای تکه‌ی نان حاضرند چکمه‌های ژنرال‌های آمریکایی را بلیسند و مانند یک سگ سر خود را به زیر آن چکمه‌ها قرار دهند و مانند خانم مسیح علینژاد افتخار کنند که با مایک پومپئو وزیر امور خارجه آمریکا عکس بگیرند. آیا در شرایطی نیستیم که هرکس حسینی نیست، یزیدی است و هرکس آوینی و قاسم سلیمانی نباشد، هرچه باشد هیچ چیز نیست؟! هرچند که در لواسان ویلایی‌های آن‌چنانی داشته باشند؟! موفق باشید